

فصلنامه راهبرد سیاسی  
سال ششم، شماره ۳، پیاپی ۲۲، پاییز ۱۴۰۱  
صفحات: ۱۶۴-۱۴۱  
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱

## رابطه متغیرهای رسانه‌ای، مدنی و اجتماعی با حقوق شهروندی معلمان: مطالعه موردی شهرستان جوین

خلیل اله سردارنیا\* / محمد اسماعیل سردارآبادی\*\* / ابراهیم صالح آبادی\*\*\*

### چکیده

معلمان یکی از اقشار تشکیل دهنده طبقه متوسط جدید هستند که به دلیل برخورداری از آگاهی سیاسی و نگرش های مدنی و دموکراتیک می توانند نقش مهمی در فرایند اصلاحات و توسعه همه جانبه کشورها ایفا کنند. حقوق شهروندی از ملزومات بسیار مهم دموکراسی ها است که بر اساس تابعیت مدنی و سیاسی حاصل می شود. در این پژوهش، نگارندگان در صدد تبیین سنجش میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی و عوامل موثر بر آن با توجه به متغیرهایی همچون: آگاهی سیاسی، میزان و نوع استفاده از رسانه های جمعی، مشارکت و عضویت در نهادهای مدنی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی هستند. روش تحقیق به صورت پیمایشی بوده و داده ها با تکنیک پرسشنامه ای جمع آوری شده اند. مهمترین یافته های این مطالعه در ارتباط با جامعه آماری ذکر شده عبارتند از: ۱. بین آگاهی سیاسی معلمان و سطح آگاهی آنان به حقوق شهروندی خویش در سه بعد مدنی، سیاسی و اجتماعی ارتباط مثبت و معنا دار در سطح بالا دیده شد. ۲. بین متغیر میزان استفاده از رسانه های جمعی و آگاهی معلمان به حقوق شهروندی، ارتباط مثبت و معنا دار دیده شد. ۳. بین محتوای سیاسی و مدنی استفاده از رسانه های جمعی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط مثبت و معنا داری دیده شد، در مورد محتوای اجتماعی این ارتباط مثبت بود، اما معنا دار نبود. ۴. تأثیر متغیر حضور و مشارکت در عرصه های عمومی و مشارکتی و نهادهای مدنی و آگاهی معلمان به حقوق شهروندی نیز مثبت و معنا دار نشان داده شد.

### کلید واژه ها

معلمان، حقوق شهروندی، رسانه های جمعی، عرصه عمومی و آگاهی سیاسی، شهرستان جوین.

kh\_sardamia@yahoo.com

\* استاد گروه علوم سیاسی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد قوچان، قوچان، ایران

\*\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

## مقدمه

حقوق شهروندی یکی از مولفه‌های مهم دموکراسی‌ها و شهروندی مدرن و مدنی است بدون آن، دموکراسی محلی از اعراب نخواهد داشت؛ البته حقوق شهروندی بدون تکالیف و مسئولیت‌پذیری یا تعهد مدنی آنان در قبال شهروندان دیگر، مصالح جمعی و حکومت‌قابلیت تحقق نخواهد داشت لذا حقوق و آزادی‌های شهروندان، همراه و همزاد با تکالیف و قانونمندی هستند. حقوق شهروندی دارای سه جزء یا مولفه مهم سیاسی، مدنی و اجتماعی است. شهروندی به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و تعیین سرنوشت خویش را می‌دهد. این مفهوم ترجمان حقوق و آزادی‌های اساسی و عمومی جامعه بوده و اساسی‌ترین نیازهای هر ملت را در برمی‌گیرد. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و یکسان هستند و نظام سیاسی جامعه موظف به تثبیت و حمایت از این حقوق و تأمین برابر آن برای تمام شهروندان فارغ از تعلقات قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی و اقتصادی آنان است. شهروندی به عنوان یک پدیده‌ی اجتماعی مدرن از مؤلفه‌های محوری نظام‌های سیاسی دموکراتیک و شاخص‌کلیدی برای نشان دادن تحقق دموکراسی در یک جامعه مدرن و برخوردار از حوزه عمومی و جامعه مدنی کارآمد و پویا است و جزئی از مهمترین ایده‌های اجتماعی است که به منظور کمک به شناخت بهتر جامعه و روابط درونی آن و هدایت کنش‌ها و رفتارها شکل می‌گیرد.

حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندی با مصادیقی همچون حق رای، آزادی بیان، انتقاد از حکومت، عضویت در نهادهای مدنی، شرکت در اجتماعات، تأمین اجتماعی یا بهداشت و سلامت، تسهیلات برای مسکن، اوقات فراغت، امنیت جانی و مالکیت و مانند آن در خلا و به صرف خواست شهروندان تحقق نمی‌یابد لذا در این خصوص بایستی به متغیرهای زمینه‌ای مهمی توجه کرد که عبارتند از: نوع ساخت سیاسی حکومت و حاکمیت و اراده سیاسی معطوف به این مقوله در نخبگان حکومتی، سطح آگاهی سیاسی و اجتماعی شهروندان، سطح نهادینگی فرهنگ مدنی و باورها و نگرش‌های دموکراتیک و مدنی در افراد، میزان قوت و نهادمندی جامعه مدنی، نهادهای مدنی و احزاب و عضویت و وابستگی شهروندان در آنها، میزان استقلال رسانه‌ها و مطبوعات و نوع محتوای سیاسی و اجتماعی آنها به ویژه میزان تمرکز آنها بر حقوق شهروندی و افزایش آگاهی مخاطبان به حقوق و تکالیف شهروندی، میزان نهادینه شدن قانون و قانون‌باوری در افراد، نقش‌آفرینی مطلوب و کاربردی نهادها و کانال‌های جامعه‌پذیری مانند خانواده، نظام آموزشی و گروه‌های اجتماعی در خصوص نهادینه‌سازی حقوق و فرهنگ شهروندی و متغیرهایی از این دست. در این بین، آگاهی سیاسی و اجتماعی از اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است، مادامی که افراد یک جامعه از حقوق شهروندی خود در ابعاد مدنی، اجتماعی و سیاسی در سطح

مناسی از آگاهی برخوردار نباشند، نه از پشتوانه نظری و ذهنی نسبت به فایده مندی مشارکت و کانال‌های موثر برای بیان خواسته‌ها و مشارکت برای تحقق حقوق خود برخوردار خواهند شد و نه امکان مشارکت عملی برای پیشبرد حقوق سیاسی، اجتماعی و مدنی.

زندگی در دنیای معاصر و همچنین پیچیدگی‌های موجود در تعاملات بین فردی و گروهی همواره ضرورت‌های تازه‌ای را ایجاد می‌کند. شهروندی زائیدهٔ زیستن در دنیای معاصر است که با الزامات و ضرورت‌های تازه، بایستی تلاش شود تا با ایجاد تفاهم در زندگی اجتماعی، راه پیشرفت و ارتقاء در جامعه هموار گردد. (Combs, 2001: 11) شهروندی به طور دقیق با حقوق انسانی و فطری بشر در زندگی اجتماعی پیوند خورده است، به همین خاطر در حکومت‌های دموکراتیک، در تدوین حقوق شهروندی ضرورت دارد که اعلامیه جهانی حقوق بشر و مولفه‌های مهم آن مورد توجه قرار گیرند و خدشه دار نشوند. (Parker, 2000: 1-2) مقوله حقوق شهروندی، یک مقوله تابعیتی و مدنی است که در ارتباط با سطح ملی و دولت-ملت معنی و مفهوم می‌یابد اما مقوله «حقوق بشر» یک مفهوم فطری، بشری و الهی بر ورای ظرف زمانی و مکانی و امری جهانی-بشری است و مقدم بر حقوق شهروندی بوده و شاکله اساسی تشکیل دهنده آن است. مارشال معتقد است، شهروندی موقعیتی است که به کسانی که اعضای جامعه هستند، اعطا می‌گردد. همهٔ افرادی که صاحب چنین موقعیتی هستند، ضمن این که از حقوقی برخوردار می‌باشند، باید وظایفی را نیز که از آن موقعیت بر می‌خیزد بر عهده گیرند. (Strijobs, 2001: 11)

شایان ذکر است که امروزه به دلایلی همچون: جهانی شدن شتابان، انقلاب ارتباطات و اطلاعات، گسترش جنبش‌های اجتماعی جدید، بسیج اعتراضات برای حقوق شهروندی، شکل‌گیری و گسترش افکار عمومی جهانی، شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و حمایت آن از هم‌تایان مدنی خود در جوامع، گسترش مردم‌سالاری‌ها و مانند آن مقوله حقوق شهروندی از ضرورت و الزام بسیار بالایی برخوردار شده و حکومت‌های اقتدارگرا، بیش از گذشته نسبت به تحقق این مقوله و احترام به کرامت شهروندی تحت فشار قرار گرفته‌اند و به تبع این تحولات، مفهوم «شهروندی جهانی» ابداع شده و سازمان‌های بین‌المللی مردم‌بنیاد (NGOs) نیز این مقوله را به جد مورد توجه قرار داده‌اند. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۳)

در این تحقیق، نگارندگان در صدد ارائه نتایج یافته‌های پژوهشی خود پیرامون میزان آگاهی معلمان شهرستان جوین نسبت به حقوق شهروندی خود از رهگذر تاثیر متغیرهای مستقلی همچون میزان آگاهی سیاسی و اجتماعی، میزان و نوع استفاده از رسانه‌ها و مطبوعات، عضویت و مشارکت در نهادهای

مدنی و حضور در عرصه یا حوزه عمومی و مولفه های تشکیل دهنده پایگاه اجتماعی و اقتصادی هستند. **فرضیه های تحقیق** عبارتند از: ۱. بین میزان آگاهی سیاسی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد. ۲. بین میزان و محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد. ۳. بین میزان حضور در عرصه عمومی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد. ۴. بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد.

### پیشینه پژوهش

در ارتباط با حقوق شهروندی، پژوهش های قابل توجهی از حیث کمی و کیفی صورت گرفته است که به اجمال به مهمترین آنها پرداخته می شود.

ملیحه شیانی (۱۳۸۲) در رساله دکتری خود با عنوان «وضعیت شهروندی و موانع تحقق آن در ایران» اصلی ترین موانع تحقق کامل شهروندی در ایران را با تمرکز بر فقدان منابع و فرصت های اجتماعی در سطح کلان و نبود آگاهی و شناخت مهارت های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت در فعالیت های داوطلبانه و نوع نگرش ها و ارزش های افراد در سطح فردی و میانی مورد مطالعه قرار داده است. از دید وی، شهروندی واقعی زمانی تحقق می یابد که زمینه های عینی و ذهنی آن فراهم شود.

جعفر هزار جریبی و ابوالفضل امانیان (۱۳۹۰) در پژوهشی میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در بین زنان شاغل در شهرداری تهران را مورد مطالعه قرار داده اند. میانگین نمره آگاهی زنان از حقوق شهروندی ۱۱/۳۲ نشان داده شده است. ۳۵،۲ درصد از پاسخگویان دارای آگاهی پایین، ۴۵/۶ درصد آگاهی متوسط و ۱۹/۳ درصد از آگاهی بالایی نسبت به حقوق شهروندی خود بوده اند. در این تحقیق، بین میزان استفاده از رسانه های جمعی و نگرش به حقوق شهروندی با میزان آگاهی زنان از حقوق شهروندی ارتباط معنی داری نشان داده شده است.

در تحقیق اسکافی پیرامون میزان آگاهی دانشجویان و دانش آموزان مشهدی از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در مشهد در سال ۱۳۸۵ دریافت شد که بیش از ۷۰ درصد نمونه مورد مطالعه نسبت به حقوق و تکالیف شهروندی آگاهی زیادی داشته اند و آگاهی مردان بیشتر از زنان بود. در این مطالعه، متغیرهایی همچون: طرز تلقی جوانان از نوع و میزان مشارکت در امور شهری، سن

پاسخگو، میزان آگاهی سیاسی، جو سیاسی خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده در مجموع ۹۹ درصد از تغییرات در متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. میزان مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، تنها متغیری بوده که رابطه معناداری با متغیر وابسته برقرار نکرده و احتمالاً دلیل آن این بوده است که در نمونه مورد مطالعه بیش از ۷۰ درصد نمونه در هیچ انجمن یا سازمانی مشارکت داوطلبانه نداشته‌اند.

شیانی (۱۳۸۱) در پژوهشی وضعیت حقوق شهروندی در استان لرستان را با دو رویکرد نظری لیبرال (با تمرکز بر حقوق و آزادی‌های فردی) و جمهوری خواهانه (با تمرکز بر تعهدات و مسئولیت پذیری در قبال حقوق شهروندی) مورد مطالعه قرار داده است. عیدی (۱۳۸۶) در پژوهشی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی دانشجویان دانشگاه اصفهان «بین جنسیت، پایگاه اجتماعی اقتصادی، هویت اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی و دینداری با آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی رابطه معنادار یافته است. ایزدی و همکاران (۱۳۸۷) پژوهشی تحت عنوان جهانی شدن و ضرورت برخورداری دانشجویان از دانش شهروندی و مسئولیت پذیری اجتماعی» در پردیس دانشگاه مازندران انجام داده‌اند. در این تحقیق، موضوع حقوق شهروندی، پیچیدگی و ضرورت یا الزام آن همراه با مسئولیت پذیری شهروندان مورد مطالعه قرار گرفته است. اسکندری (۱۳۸۶) پژوهشی تحت عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در بین دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز» در مقطع کارشناسی انجام داده است؛ در این مطالعه، بین میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان و نگرش آنان به این مقوله و میزان آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای معنادار دیده شده است. جمال محمدی و نازنین تبریزی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ ساله شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر) انجام داده‌اند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد میزان آگاهی در مورد حقوق شهروندی در جامعه آماری مورد مطالعه اندک است. از سوی دیگر شاخص مذکور با جنسیت و تغییرات سنی شهروندان ارتباط معناداری داشته و میزان تحصیلات دانشگاهی بر این شاخص تأثیرگذار نمی‌باشد. «ادیبی سده و هارطونیان» (۱۳۸۶)، در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی - سیاسی و فرهنگی ارمنه جلفای اصفهان به این نتیجه رسیدند که بین سن، تعلق اجتماعی، افزایش میزان آگاهی فردی و اجتماعی، رضایت از امکانات و وضعیت جامعه با میزان مشارکت رابطه معناداری وجود دارد.

#### چارچوب مفهومی و نظری پژوهش

شهروندی آگاه به حقوق و تکالیف، مدنی و قانونمند، یک پیش شرط مهم برای حکمرانی دموکراتیک و دموکراسی است به ویژه این عنصر در جهان و جامعه امروزی پیچیده شونده و مملو از آگاهی و تقاضاها اهمیت دارد. در چند دهه اخیر از اصطلاح «حکمرانی خوب» در محافل علمی و آکادمیک، زیاد استفاده شده است، در بین ویژگی های این اصطلاح، رابطه دو سویه بین حکومت و مردم یا شهروندان و نگاه به آنان به عنوان مکمل در امر تصمیم سازی و مسئولیت پذیری و پاسخگویی حکومت به آنان، از اهمیت بسیاری برخوردار است، از این زاویه، وجود شهروندی فعال و مدنی ضرورت زیادی می یابد. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۹۶)

### الف: مفهوم و مولفه و متغیرهای تبیین گر حقوق شهروندی

شهروندی مفهومی است که بر روابط دولت و اعضاء جامعه اطلاق می شود، از یک سو با حقوق و تعهدات متقابل دولت و شهروندان و از سوی دیگر به مناسبات و فرایندهای تاریخی در روند گسترش حقوق شهروندی و دموکراسی ها مربوط می شود. حقوق شهروندی در چارچوب دولت- ملت دموکراتیک و تابعیت و وابستگی مدنی افراد به دولت ملی، مورد بحث قرار می گیرد اما «حقوق بشر» مقوله ای فراملی، فرازمانی و مقدم بر حقوق شهروندی است که به صورت فطری، طبیعی و الهی به انسان ها بما هو انسان اعطا می شود و در هیچ زمان نباید سلب شود که مهمترین مولفه های آن عبارت از حق حیات، امنیت و حق برخورداری از مالکیت هستند.

حقوق شهروندی از مؤلفه های محوری نظامهای امروزی و شاخص کلیدی دموکراسی در یک جامعه مدرن است و به معنی برخورداری عادلانه تمامی اعضای جامعه از مزایا، منابع و امتیازات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حقوقی و فرهنگی صرف نظر از تعلقات یا وابستگی های طبقاتی، نژادی، مذهبی و قومی است. (توسلی و همکاران، ۱۳۸۳: ۳۵) این مفهوم همراه با آگاهی سیاسی و اجتماعی و فرهنگ مدنی، پشتوانه اساسی برای دموکراسی و شهروند فعال و مشارکتی در عرصه های گوناگون و مبنای بنیادی برای حق تعیین سرنوشت است. آنتونی گیدنز، شهروندان را به عنوان «افراد» که در محدوده مرزهای نظام سیاسی زندگی می کنند، دارای حقوق و وظایف مشترک هستند و خودشان را جزئی از یک ملت می دانند»، تعریف می کند. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴۱)

مطالعات نشان می دهد که در تحقق حقوق شهروندی، آموزش نقش انکارناپذیری دارد و این مفهوم در محافل بین المللی پذیرفته شده و به صورت اصل درآمده است. چهار عنصر برای یک شهروند مطلوب عبارتند از: دانش، تفکر، تعهد و عمل. (قائدی، ۱۳۸۵: ۱۹۳) آموزش در سطح جامعه

شهری، شهروندان را به دانش و درک مهارت‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها مجهز ساخته و آنها را قادر می‌سازد تا مشارکتی فعالانه و معقول در سطح جامعه شهری به عهده بگیرند (آقازاده، ۱۳۸۵: ۵۰).

پتمن از نظریه پردازان مطرح در حوزه حقوق شهروندی، شهروندی را بر اساس چهار مولفه عضویت اجتماعی در سیستم پیچیده وابستگی‌های مبتنی بر تقسیم کار تخصصی، مشارکت اجتماعی در زندگی اجتماعی مدرن، شالوده اجتماعی برای تضمین و تأمین برخورداری یکسان اعضای جامعه از حقوق، امکانات، امتیازات و رفاه اجتماعی و تحقق آزادی‌های اساسی تعریف می‌کند. ژانوسکی با بسط نظریه مارشال، شهروندی را عضویت فعال افراد در قلمرو دولت - ملت دانسته که به موجب آن شهروندان از حقوق و تعهدات برابر برخوردارند. وی به طور کلی چهار نوع حقوق قانونی، سیاسی، اجتماعی و حقوق مشارکت را از هم متمایز می‌کند (janoski, 1998:28).

تی. اچ. مارشال از صاحب نظران برجسته در خصوص حقوق شهروندی، سه نوع حقوق را بر می‌شمارد که عبارتند از: ۱. «حقوق مدنی» به مصادیقی همچون: آزادی افراد برای انتخاب محل زندگی، آزادی بیان و مذهب، حق مالکیت، و حق دادرسی یکسان در دادگاه‌ها، عدم تبعیض مذهبی، قومی و زبانی، مصونیت از تعرض و مانند آن. ۲. «حقوق سیاسی» به مصادیقی همچون حق رای، حق کاندیدا شدن، آزادی در انتقاد از حکومت، مشارکت سیاسی، شرکت و تشکیل اجتماعات و احزاب سیاسی و مانند آن. ۳. «حقوق اجتماعی» که از آن به «عضویت کامل در عرصه اجتماعی جامعه» نیز تعبیر شده است به مصادیقی همچون: برخورداری از تسهیلات و استانداردهای رفاهی، مسکن، تأمین اجتماعی، فرصت‌های شغلی، بیمه‌های بیکاری، آموزش رایگان و مانند آن اطلاق می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۶: ۳۴۱).

در قرآن کریم نیز، بنیادهای اخلاقی و انسانی برای شهروندی در یک جامعه مطلوب و توحیدی بر مبنای عدالت و برابری بر ورای اختلافات نژادی، رنگ و زبان به روشنی تصریح شده اند لذا اختلاف قومی و نژادی نمی‌تواند محملی برای تفوق طلبی عده‌ای بر برخی دیگر باشد، تنها ملاک برتری در اسلام فقط به تقوا و پرهیزگاری آدمی برمی‌گردد. حق حیات آدمی یعنی جان و نفس او در کلام خدا، کالای بسیار گران سنگی است که گرفتن آن از یک فرد مساوی با مرگ تمام بشریت تلقی شده است، چنانچه اعطای دوباره حق حیات به شخصی، دمیدن روح و حیات به تمام بشر فرض شده است.

مهمترین ویژگی‌های شهروندی فعال و مدنی عبارتند از: دارای فرهنگ و باورهای مدنی و تعهد عملی و مستمر به آنها، قانونمند، همکاری جو، مسئولیت پذیر، آگاه به حقوق، نقش‌ها و تعهدات خویش، متعهد به رعایت حقوق دیگر شهروندان، مصالح جمعی و حکومت، روحیه مشارکتی و عضویت و همکاری با نهادهای مدنی، انتقاد پذیر، متعهد به اخلاق و فضایل مدنی، عدالت طلب، پرهیز از

خودکامگی و هنجار شکنی، ارزش محور، انصاف مدار، نوع دوستی، پرهیز از بی تفاوتی به جامعه و مشکلات آن یا حس بالای تعلق به جامعه و مانند آن.

### ب: گفتمان های رایج پیرامون حقوق شهروندی

شهروندی از جمله مفاهیم اجتماعی است که در بستر تاریخی - اجتماعی، از حیث محتوا و مضمون و مصادیق، تغییر و تطور داشته است. این دگرذیسی در رویکردها، گفتمان ها و مکاتب گوناگون، مشهود است. در ارتباط با این مفهوم می توان دو مکتب قدیمی و نخستین یعنی مکتب لیبرالیسم» و «جمهوری خواهی» را از یکدیگر تفکیک کرد. در مدل لیبرالی، تاکید بر آن است که منزلت شهروندان عمدتا باید به واسطه حقوق فردی وی تعیین شود، حقوق فردی، آزادی فردی و حقوق بشر بر حاکمیت اکثریت مقدم و مصون از تعرض حکومت هستند و نباید با اراده اکثریت سرکوب شود. در این مدل عمدتا بر فرد آزاد و قائم به ذات در پیگیری منافع و حقوق خود از طریق فرایند انتخابات، رسانه ها و مانند آن تاکید می شود و آزادی مطلوب برای فرد از نوع آزادی منفی یعنی کمترین محدودیت در مقابل فرد است. در مدل جمهوری، آزادی شهروند از نوع آزادی مثبت و قاعده مند و منوط به رعایت حقوق دیگران و مصالح جمعی است، حقوق سیاسی شهروند در قالب حق مشارکت وی در شکل جمعی و گروهی در اجتماعات، انجمن ها، احزاب و رسانه ها به رسمیت شناخته می شود. برای همه شهروندان و گروه ها، فرصت های برابر (حقوق و آزادی برابر) در نظر گرفته می شود و تصمیمات اتخاذ شده باید در راستای مصالح عمومی و منافع همه گروه ها باشد. (هابرماس، ۱۳۸۶، ۱۶۸) در مدل جمهوری خواهی اصالت به جامعه داده می شود و افراد هویت خود را در بستر اجتماعی شکل می دهند. به بیان دیگر عضویت در اجتماع و عمل به وظایف، آنان را به شهروند مبدل می کند. (شیانی، ۱۳۸۱: ۱۴)

به دلیل تحولات علمی، سیاسی، اجتماعی و تکنولوژیکی که در چند دهه اخیر رخ داده است، گفتمان های شهروندی نیز تکثر و توسعه یافته اند؛ این گفتمان ها عبارتند از: فرد گرایی لیبرال، اجتماع گرایی، جمهوری گرایی و فمینیستی.

یکی از این گفتمان ها، «فردگرایی لیبرال» است؛ به نظر اولد فیلد این رویکرد و گفتمان سرچشمه اندیشه شهروندی در بریتانیا و ایالات متحده آمریکا است. در این رویکرد شهروندی پایگاهی تلقی می شود که حق حاکمیت افراد بر زندگی شان را به رسمیت می شناسد. در حوزه سیاسی نیز شهروندان دارای حقوق شهروندی اند و منافع فردی شان را تعقیب می کنند. ترتیبات سیاسی که



دولت متعهد به استقرار آنهاست، حامی این منافع است. یکی از برجسته ترین حقوق شهروندی، حق مشارکت سیاسی در زندگی اجتماعی است. نقطه انکای فلسفی- اخلاقی رویکرد فردگرایی لیبرال این است که انسان ها کارگزاران اخلاقی مسئول و خودمختار هستند که هدفشان تامین زندگی خوب است و نظام سیاسی، آزادی های فردی و شهروندی را که برای تحقق این زندگی لازم است تضمین می کند. به گفته گیلبرت نمونه برجسته‌ای از کاربست این گفتمان را می‌توان در «کمیسون بریتانیایی شهروندی» ملاحظه کرد. به عنوان نمونه این کمیسیون در تعریف حقوق و وظایف شهروندی بر ظرفیت بحث و گفتگوی شهروندان درباره امور جمعی، مشارکت در زندگی اجتماعی، قبول مسئولیت‌های اجتماعی، عضویت در گروه‌های اجتماعی و حق اعتراض مدنی به روندهای جاری در جامعه تاکید دارد. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۴)

گفتمان «اجتماع گرایی» از دیگر گفتمان های شهروندی است، برجسته ترین افراد در این گفتمان عبارتند از: تایلور، والزر، مک اینتایر، ساندل و اتزیونی. این گفتمان با نقد گفتمان فردگرایی لیبرال آغاز می شود که این نقدها عبارتند از: فرد در گفتمان فردگرایی لیبرال گسیخته از اجتماع است که دنبال تعریف اهداف و وظایف خود به صورت مستقل است؛ برای این فرد پیوندهای اجتماعی فاقد اهمیت هستند چنین فردی منزوی، بدون هدف و سرگردان است. در عوض، در گفتمان شهروندی اجتماع گرایی، فرد یا شهروند به صورت «وضعیت‌مند» مطرح می‌شود؛ یعنی فردی که در دل اجتماع خود قرار دارد و از طریق تعلقات و فهم مشترکی که دارد زندگی اجتماعی اش را شکل می دهد و تعریف می کند و حقوق و تعهدات شهروندی وی در ارتباط تنگاتنگ با اجتماع و هنجارها، ارزشها و سنت های آن شکل گرفته و تفسیر و کنترل می شود. در این گفتمان، عمدتاً بر تکالیف و مسئولیت پذیری شهروند تاکید می شود و استقلال مد نظر گفتمان لیبرالی فردگرایانه به فرد یا شهروند داده نمی شود. پاره‌ای از تاکیدات این گفتمان را می توان در گفتمان شهروندی جمهوری گرایی (که به گفته تورنتون تبلور قانونمدارانه گفتمان اجتماع گرایی است) ملاحظه کرد. (نجاتی حسینی، ۱۳۸۰: ۳۵).

**«گفتمان شهروندی جمهوری گرایی» (مدنی و جدید)،** گفتمان جدید دیگری است که مانند گفتمان اجتماع گرایی با نقد گفتمان فردگرایی لیبرال آغاز می شود. این نقد بیشتر متوجه پذیرفتنی نبودن سیاست های فردگرایانه لیبرالی است. به نظر اولد فیلد در گفتمان شهروندی جمهوری گرایی، شهروندی فقط شأن حقوقی نیست بلکه نوعی فعالیت یا اقدام نیز محسوب می شود. به طوری که درگیر نشدن در فعالیت های اجتماعی موجب دوری از شهروندی می گردد. بنابراین مهم‌ترین الزام

شهروندی در این گفتمان، حمایت از شهروندان برای تحقق شأن شهروندی است. تاکید جمهوری گرایان این است که شهروندان هم قادرند و هم می باید در تحقق شأن شهروندی سهیم باشند و این منوط به ایفای وظایف تکالیف شهروندی است. علاوه بر این، تحقق شهروندی متضمن دارا بودن فضیلت های اخلاقی - اجتماعی می باشد که آرمان دموکراسی است. (همان : ۳۶)

### روش انجام پژوهش

جامعه آماری این تحقیق، کلیه معلمان شاغل به تدریس در آموزش و پرورش منطقه جوبین از توابع شهرستان سبزوار در استان خراسان رضوی است. در این تحقیق، روش از نوع پیمایشی با تکنیک پرسشنامه ای برای جمع آوری اطلاعات است. واحد تحلیل یا مطالعه، فرد است که با مطالعه و جمع آوری داده ها از تک تک افراد حجم نمونه، نتایج قابل تعمیم به کل جامعه آماری خواهد بود. با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۶۶ نفر با ضریب اطمینان ۰/۹۵ به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. روش نمونه گیری در این تحقیق به صورت تصادفی ساده بود. در تحقیق حاضر پس از گردآوری اطلاعات به وسیله پرسشنامه به استخراج داده های نهایی مبادرت کرده و با استفاده از برنامه نرم افزار SPSS در دو سطح توصیفی و استنباطی به تجزیه و تحلیل داده ها پرداخته شد. در تحلیل داده ها با آمار استنباطی از آماره های مربوطه مانند رگرسیون یک متغیره و چند متغیره و همبستگی پیرسون استفاده شد.

### گفتار چهارم: تعریف عملیاتی مفاهیم و ترسیم مدل مفهومی

از آنجا که پیشتر، مفهوم حقوق شهروندی و شاخص های آن به تفصیل تعریف شدند در این قسمت از تکرار تعریف این مفهوم خودداری می شود و سایر مفاهیم ( مفاهیم مربوط به متغیرهای مستقل) تعریف مفهومی و عملیاتی می گردند.

#### - آگاهی سیاسی

آگاهی سیاسی عبارت از شناخت و اطلاعات افراد نسبت به امور عمومی و سیاسی داخلی و بین المللی، رویدادهای سیاسی، شخصیت های سیاسی، نقش ها و نهاد های سیاسی و مانند آن است. (Sardarabadi, et.al, 2003:10) البته باید توجه داشت که آگاهی سیاسی همان اطلاعات و آگاهی عمومی سیاسی است و آن را با «دانش سیاسی» که با تخصص و طبقه بندی و تحلیل و اظهار نظر عالمانه است نباید یکسان گرفت. در ارتباط با آگاهی سیاسی، پاسخگویان در سطح سنجش ترتیبی با ۱۰ سوال مورد پرسش و سنجش قرار گرفتند. برای مثال اطلاعات مربوط به شناخت اصول قانون

اساسی، نام شخصیت های مهم سیاسی جهان و کشور، رویداد های مهم سیاسی و مانند آن از مصادیق آگاهی سیاسی هستند.

### – رسانه های ارتباط جمعی

از نظر وینر، رسانه های جمعی اعم از روزنامه ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، اشکال ارتباطی هستند که به مخاطبان بی شمار می رسند (Weiner, 1990, p.284) رسانه های جمعی به ابزار ها و وسایل چاپی یا الکترونیکی اطلاق می شوند که از طریق آنها، اخبار و پیام به شکل صدا، تصویر و نوشته، به شکل مستقیم به مخاطبان بسیار زیاد و عمدتاً ناهمگون انتقال داده می شوند. دنیس مک کوئیل دو کارکرد مهم برای رسانه های جمعی قائل است: ۱. تولید، بازتولید و اشاعه اطلاعات به جمع گسترده مخاطبان به صورت نوشتاری، صوتی و دیداری ۲. میانجیگری بین واقعیت های سیاسی و اجتماعی و شهروندان و افراد و شکل دادن به افکار عمومی، تجربیات مخاطبان و رویداد های سیاسی. (Sardarabadi, et.al, 2003:10)

در سنجش این متغیر نحوه امتیاز دهی به این صورت بود: گزینه «هر روز» نمره ۴، «هر چند روز یکبار» نمره ۳، «هر هفته» نمره ۲، «گاهی» نمره ۱ و «هرگز استفاده نکرده ام» نمره صفر. در ارتباط با محتوای رسانه ها و مطبوعات، نحوه امتیاز دهی به این صورت بود: محتوای سیاسی نمره ۳، محتوای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نمره ۲، محتوای سرگرمی» نمره ۱ و عدم استفاده نمره صفر.

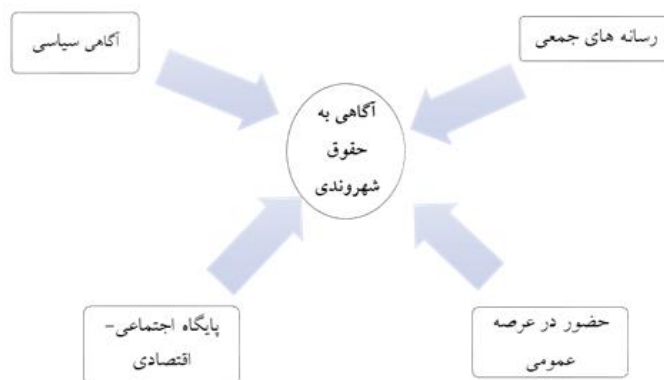
### – حضور در عرصه عمومی و جامعه مدنی

اصطلاح حوزه عمومی همان عرصه مکانی و فلسفی و ظرفی است که ارتباطات، تعاملات و گفتگوهای عقلانی و مستدل افراد و رهبران نهادهای مدنی در آن رخ می دهد. (سردارنیا، ۱۳۹۰: ۱۰۸) از دید هابرماس، حوزه عمومی در حد فاصل جامعه مدنی و دولت است، فضایی که در آن بحث و گفتگوهای عقلانی و انتقادی توسط شهروندان و افراد صورت می گیرد تا از این طریق، قدرت سیاسی دولت را به قدرت عقلانی و پاسخگو تبدیل کنند. (هابرماس، ۱۳۸۶، ص ۲۴۵) از دید هابرماس، حوزه عمومی پیش از هر چیز قلمروی از حیات اجتماعی است که در آن افکار عمومی شکل می گیرد. اصولاً تمامی شهروندان باید از امکان دسترسی به حوزه عمومی برخوردار باشند. در جریان هر مکالمه یا گفتگو که طی آن اشخاص خصوصی در کنار هم جمع می شوند تا یک اجتماع را تشکیل دهند؛ در حقیقت بخشی از حوزه عمومی تشکیل یا ایجاد می گردد. شهروندان یا افرادی که در کنار هم جمع شده اند زمانی به منزله عمومی عمل می کنند که بدون اجبار و اضطراب بتوانند به مسائل مورد علاقه مردم یا منافع و مصالح عمومی بپردازند؛ این امر زمانی امکان پذیر است که تضمین

های لازم برای گردهم آمدن و اجتماع آنها فراهم باشد، آزادانه بتوانند به همدیگر ببینند و آزادانه افکار خود را بیان و تبلیغ کنند. (انصاری، ۱۳۸۴: ۲۲۷) حوزه عمومی بر اساس عدالت، عقلانیت عام، فرصت های برابر برای همه افراد و نهادهای اجتماعی و نفع همگانی به عنوان یگانه ملاک سنجش این عقلانین محقق می شود. ( هابرماس، ۱۳۸۶: ۲۴۵)

از دید لاری دیاموند، جامعه مدنی، حوزه زندگی اجتماعی سازمان یافته، ارادی، خود جوش و مستقل از دولت است که گستره ای از نهادهای صنفی، اجتماعی، گروه های مدنی، اقتصادی، فرهنگی، آگاهی دهنده، آموزشی، گروه های معطوف به توسعه، معطوف به هدف خاص، مطبوعات و انجمن های داوطلبانه در عرصه عمومی و حد فاصل بین عرصه خصوصی و دولت ها را در بر می گیرد. (Diamond, 1997, P.4) فیلیپ اشمیتر، جامعه مدنی را متشکل از انجمن ها و گروه ها و نهادهای میانجی مستقل از دولت و در حد فاصل بین خانواده ها و دولت می داند که: مستقل از مقامات عمومی شکل می گیرند، قادر به گفتگو و سازمان دهی برای اقدام به کنش جمعی برای پیگیری خواسته ها و مطالبات خود هستند و فعالیت آنها در چهارچوب قانون و حکومت است نه در جهت واژگون کردن آن. وی چهار ویژگی یا عنصر برای جامعه مدنی قائل است که عبارتند از: ۱) استقلال دوگانه (هم در شکل گیری و هم ایفای نقش) ۲) کنش جمعی هماهنگ ۳) عدم تعدی به حقوق و مصالح دیگری ۴) مدنی بودن. برای مثال گروه های مافیایی از ویژگی های سوم و چهارم بر خوردار نیستند. (Whithead, 2004, P. 30) در تعریف عملیاتی نحوه امتیاز دهی به متغیر میزان همکاری با نهادهای مدنی به این صورت بود: گزینه «خیلی زیاد» (نمره ۴) «زیاد» (نمره ۳) «متوسط» (نمره ۲) «کم» (نمره ۱) «اصلاً» (نمره ۰)

#### مدل مفهومی تحقیق



#### یافته های تحقیق

## الف: یافته‌های آماری توصیفی

### ۱. سطح تحصیلات

جدول ذیل در ارتباط با فراوانی و درصد پاسخ دهندگان بر اساس تحصیلات آنها است، بیشترین آن مربوط به دارندگان مدرک کارشناسی با ۶۳/۲٪ و کمترین آن مربوط به دارندگان مدرک دیپلم با ۷/۱٪ می باشد.

توزیع فراوانی و درصد نمونه‌های مورد مطالعه بر حسب تحصیلات		
تحصیلات	فراوانی	درصد
دیپلم	۱۹	۷/۱
فوق دیپلم	۴۳	۱۶/۲
لیسانس	۱۶۸	۶۳/۲
فوق لیسانس و بالاتر	۳۶	۱۳/۵
جمع	۲۶۶	۱۰۰

### ۲. رشته تحصیلی

بر اساس جدول ذیل، بیشترین تعداد معلمان مربوط به رشته های علوم انسانی ( ۵۹/۴٪ ) و کمترین آن مربوط به رشته های ریاضی و فنی - حرفه ای (۱۵٪) بود.

توزیع فراوانی رشته تحصیلی واحدهای آماری		
رشته تحصیلی	فراوانی	درصد فراوانی
ریاضی	۱۵	۵/۶
تجربی	۳۶	۱۳/۵
علوم انسانی	۱۵۸	۵۹/۴
فنی و حرفه ای	۱۶	۶
سایر	۴۱	۱۵/۴
جمع	۲۶۶	۱۰۰

### ۳. میزان استفاده از رسانه های جمعی

جدول ذیل مربوط به میزان استفاده معلمان از رسانه های جمعی است، تلویزیون بیشترین و ماهواره کمترین استفاده برای افراد نمونه تحقیق را داشته است.

#### ۴. محتوای استفاده از رسانه های جمعی

داده های جدول ذیل نشان می دهد که محتوای سیاسی و اجتماعی و فرهنگی در کلیت آن به مثابه امر اجتماعی- البته با تفاوت های اندک- بیشترین محتوای مورد استفاده معلمان بوده است که به ترتیب تلویزیون، مطبوعات و اینترنت بیشترین منبع مورد استفاده بوده و ماهواره در رده پایین تر از آنها قرار می گیرد.

نوع رسانه جمعی	محتوای سیاسی	اجتماعی	فرهنگی	اقتصادی	سرگرمی	عدم استفاده
رادیو	۳۷	۵۹	۶۲	۱۷	۵۱	۴۰
تلویزیون	۱۱۴	۸۱	۴۱	۷	۲۰	۳
مطبوعات و نشریات	۹۸	۵۷	۴۷	۲۲	۱۶	۲۶
اینترنت	۵۶	۵۸	۷۱	۲۵	۲۵	۳۱
ماهواره	۱۳	۶	۴	۵	۳۵	۲۰۳

نوع رسانه جمعی	هر روز	هر چند روز یکبار	هر هفته	گاهی	هرگز استفاده نکرده ام
رادیو	۴۳	۵۸	۱۶	۱۰۸	۴۱
تلویزیون	۲۳۴	۱۸	۸	۶	۰
مطبوعات و نشریات	۳۸	۷۵	۴۵	۸۵	۲۳
اینترنت	۶۴	۵۳	۲۲	۹۳	۳۴
ماهواره	۱۳	۳	۰	۳۳	۲۱۷

#### ۵. میزان حضور در عرصه عمومی و نهادهای مدنی

میزان حضور و شرکت افراد نمونه تحقیق در عرصه عمومی اعم از عضویت و همکاری آنها در انجمن ها و نهادهای مدنی، شرکت در انتخابات، همایش ها و جلسات و انجمن های گوناگون است.

نهاد مدنی	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	اصلاً
۱- شرکت در نماز جماعات، جمعه و محافل قرآنی	۴۶	۱۱۰	۸۲	۲۲	۶
۲- عضویت در انجمن های ورزشی - انجمن های هنری	۲۴	۲۹	۹۳	۷۰	۵۰
۳- شرکت در انتخابات و رأی گیری ها	۱۶۷	۶۹	۲۲	۴	۴

۱۳	۱۸	۶۶	۷۶	۹۳	۴- عضویت در کانون بسیج فرهنگیان - بسیج محلات
۷۱	۳۹	۸۳	۴۶	۲۷	۵- عضویت در احزاب و انجمن های علمی - فرهنگی معلمان
۱۲۲	۵۱	۵۵	۲۴	۱۴	۶- عضویت در تعاونی های سیاسی - تشکل های صنفی
۱۳	۹	۴۱	۹۵	۱۰۸	۷- شرکت در راهپیمایی ها
۷	۲۰	۸۴	۸۳	۷۲	۸- شرکت در جلسات و مناسبت های اجتماعی

### ب: تحلیل آماری داده ها و آزمون فرضیه ها

در این قسمت، با استفاده از آماره های مناسب با روش استنباطی، داده ها در ارتباط با عوامل موثر بر میزان آگاهی معلمان نسبت به حقوق شهروندی خویش ارائه و تحلیل می شوند و فرضیه های تحقیق به آزمون گذاشته می شوند.

۱. فرضیه نخست: بین میزان آگاهی سیاسی معلمان و میزان آگاهی آنان به حقوق شهروندی

ارتباط معناداری وجود دارد.

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی با کنترل متغیرهای دیگر	سطح معناداری
آگاهی سیاسی	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰	۲۶۸/۰	۰/۰۰۰
	۰/۳۶۶	۰۰۰/۰	۲۸۲/۰	۰۰۰/۰
	۰/۲۴۵	۰۰۰/۰	۱۸۲/۰	۰/۰۰۷
	۰/۲۷۹	۰۰۰/۰	۲۴۱/۰	۰/۰۰۰

### جدول ارتباط بین آگاهی سیاسی و میزان آگاهی به حقوق شهروندی

ضرایب همبستگی بین متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد مختلف آن با آگاهی سیاسی که در جدول فوق آمده است، نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین متغیر وابسته و کلیه ابعاد آن با متغیر مستقل آگاهی سیاسی است، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق مدنی است. با کنترل متغیرهای جنسیت، وضعیت تاهل، میزان درآمد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت پیش از استخدام و سابقه کار این ارتباط معنادار آماری همچنان پابرجاست، بنابراین فرضیه فوق تایید و فرض صفر رد می گردد.

۲. فرضیه دوم: بین میزان و محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد.

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی با کنترل متغیرهای دیگر	سطح معناداری
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۲۰۶	۰/۰۰۱	۰/۲۱۷	۰/۰۰۱
بعد مدنی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۲۰۱	۰/۰۰۱	۰/۱۸۶	۰/۰۰۶
بعد سیاسی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۲۳۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۴	۰/۰۰۰
بعد اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۷۲	۰/۲۴۱	۰/۰۹۸	۰/۱۵۰

جدول ارتباط بین میزان استفاده از رسانه های معی و میزان آگاهی از حقوق شهروندی

ضرایب همبستگی و داده های جدول فوق، نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین متغیر آگاهی به حقوق شهروندی و ابعاد مدنی و سیاسی آن (متغیر وابسته) با متغیر میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی (متغیر مستقل) است، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق سیاسی است. البته داده های جدول فوق، ارتباط بین میزان استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و بعد اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی را در حد معنی دار تایید نمی کند، اما جهت مثبت و تاثیرگذاری آن را البته در حد پایین تایید می کند.

با کنترل متغیرهای جنس پاسخگویان، وضعیت تاهل، میزان درآمد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت قبل از استخدام و سابقه کار این ارتباط معنادار آماری فوق همچنان پابرجاست، بنابراین فرضیه فوق در ارتباط با حقوق شهروندی و ابعاد سیاسی و مدنی آن تایید شده و فرض صفر در این ارتباط پذیرفته نمی شود.

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی با کنترل متغیرهای دیگر	سطح معناداری
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۱۶۳	۰/۰۰۸	۰/۱۸۳	۰/۰۰۳
بعد مدنی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۱۹۱	۰/۰۰۲	۰/۱۹۱	۰/۰۰۲



۰/۰۰۹	۰/۱۶۴	۰/۰۲۸	۰/۱۳۵		بعد سیاسی آگاهی از حقوق شهروندی
۰/۰۹۵	۰/۱۰۵	۰/۱۷۶	۰/۰۸۳		بعد اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی

جدول ارتباط آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد سه گانه آن با متغیر محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی ضرایب همبستگی و داده های جدول فوق نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد مدنی و سیاسی آن (متغیر وابسته) با متغیر محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی (متغیر مستقل) است، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق مدنی است. البته داده های جدول فوق، ارتباط بین محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و بعد اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی را در حد پایین تایید می کند اما از جهت آماری معنی دار نیست. با کنترل متغیرهای جنسیت پاسخگویان، وضعیت تاهل، میزان درآمد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت قبل از استخدام و سابقه کار این ارتباط معنادار آماری فوق همچنان پابرجاست، بنابراین فرضیه فوق در ارتباط با حقوق شهروندی و ابعاد سیاسی و مدنی آن تایید شده و فرض صفر در این ارتباط پذیرفته نمی شود. ۳. فرضیه سوم: بین میزان حضور در عرصه عمومی و نهادهای مدنی و میزان آگاهی پاسخگویان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد.

متغیرها	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی با کنترل متغیر های دیگر	سطح معناداری
آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۳۶۲	۰/۰۰۰	۰/۳۶۲	۰/۰۰۰
	۰/۳۲۱	۰/۰۰۰	۰/۳۰۸	۰/۰۰۰
	۰/۳۹۱	۰/۰۰۰	۰/۳۹۸	۰/۰۰۰
	۰/۱۹۶	۰/۰۰۱	۰/۱۹۵	۰/۰۰۲

جدول ارتباط آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد سه گانه آن با متغیر میزان حضور در عرصه عمومی

ضرایب همبستگی و داده های جدول فوق، نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین متغیر آگاهی به حقوق شهروندی و کلیه ابعاد آن (متغیر وابسته) با متغیر میزان حضور در عرصه عمومی و نهادهای مدنی (متغیر مستقل) است، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق سیاسی است. با کنترل متغیرهای جنسیت پاسخگویان، وضعیت تاهل، میزان درآمد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت قبل از استخدام و سابقه کار این ارتباط معنادار آماری فوق همچنان پابرجاست، بنابراین فرضیه فوق در ارتباط با حقوق شهروندی به طور کلی و ابعاد گوناگون آن تایید شده و فرض صفر در این ارتباط پذیرفته نمی شود. ۴. فرضیه چهارم: بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معناداری وجود دارد.

متغیرها		ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری	ضریب همبستگی با کنترل متغیرهای دیگر	سطح معناداری
پایگاه اجتماعی اقتصادی	آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۶۹	۰/۲۶۱	۰/۱۱۹	۰/۰۵۶
	بعد مدنی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۷۳	۰/۲۳۴	۰/۱۲۷	۰/۰۴۲
	بعد سیاسی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۴۶	۰/۴۵۰	۰/۰۹۶	۰/۱۲۳
	بعد اجتماعی آگاهی از حقوق شهروندی	۰/۰۶۳	۰/۳۰۳	۰/۰۸۲	۰/۱۹۲

#### جدول ارتباط آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد سه گانه آن با متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی

ضرایب همبستگی بین متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد مختلف آن با پایگاه اجتماعی اقتصادی (متغیر مستقل) که در جدول فوق آمده است، نشانگر عدم وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین این متغیر و کلیه ابعاد آن با متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی است.

با کنترل متغیرهای جنسیت پاسخگویان، وضعیت تاهل، رشته تحصیلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت قبل از استخدام و سابقه کار هم بین متغیر آگاهی از حقوق شهروندی و ابعاد مختلف آن با پایگاه اجتماعی اقتصادی ارتباط معنادار آماری مشاهده نمی شود بنابراین می توان فرض صفر مبنی بر عدم وجود رابطه بین این دو متغیر را بر اساس داده های این تحقیق تایید نمود.

این مسأله احتمالاً به دلیل این است که متغیر پایگاه اجتماعی اقتصادی که از ترکیب سه متغیر میزان درآمد، سطح تحصیلات و منزلت شغلی ساخته می‌شود دارای واریانس زیادی در جامعه مورد مطالعه نیست خصوصاً متغیر منزلت شغلی نمونه تحقیق تفاوت زیادی با یکدیگر ندارد.

نتایج آزمون‌های ارتباطی که در قسمت قبل با متغیرهای مختلف تحقیق و متغیر وابسته تحقیق انجام شد، نشانگر این بود که متغیرهایی مثل آگاهی سیاسی، استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی، میزان حضور در عرصه عمومی ارتباط معناداری با آگاهی معلمان از حقوق شهروندی خود دارد. متغیرهایی همچون جنسیت پاسخگویان، وضعیت تاهل، سابقه کاری، میزان درآمد ماهیانه، میزان تحصیلات، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، وضعیت برخورداری آنها از وسیله نقلیه شخصی، محل سکونت آنها قبل از استخدام، سن و پایگاه اجتماعی اقتصادی آنها با میزان آگاهی معلمان نمونه تحقیق ارتباط آماری معناداری ندارند. در این بین آزمون‌های ارتباطی نشانگر آن است که متغیر رشته تحصیلی افراد نمونه و محتوای استفاده از رسانه‌های ارتباط جمعی ارتباط معناداری با میزان آگاهی معلمان از حقوق شهروندی دارند.

در این قسمت از تحقیق، برای ارزیابی تاثیر این متغیرها بر آگاهی معلمان از حقوق شهروندی و همچنین مقایسه تاثیر آنها بر آگاهی از حقوق شهروندی و همچنین ارزیابی تاثیر این متغیرها با حضور متغیرهای دیگر از رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود.

برای رسیدن به یک مدل تبیین کننده متغیر وابسته در این تحقیق از روش گام به گام (Stepwise Method) استفاده شد. در این روش متغیرها یک به یک وارد مدل می‌شوند یعنی ابتدا متغیری که بیشترین همبستگی را با متغیر وابسته دارد انتخاب می‌شود و در ادامه با ورود متغیر جدید، متغیرهایی که پیشتر، وارد معادله شده اند از نو آزموده می‌شوند تا مشخص شود آیا هنوز هم حضور آنها در مدل، به موفقیت مدل کمک می‌کند یا خیر، لذا احتمال دارد برخی از متغیرهایی که در مرحله اول قدرت تبیین بالایی داشتند، در مرحله بعدی حذف شوند.

جدول خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره برای تبیین آگاهی از حقوق شهروندی

Sig	F	Adjusted R Square	Rsquare	R
۰/۰۰۰	۱۹/۳۲۱	۰/۲۴۵	۰/۲۵۸	۰/۵۰۸

جدول ضرایب تاثیر مدل تبیین کننده آگاهی از حقوق شهروندی

Correlations			sig	t	Beta	B	متغیر
Part	Partial	Zero-order					
۰/۲۵۱	۰/۲۸۰	۰/۳۴۰	۰/۰۰۰	۴/۳۵۰	۰/۲۸۰	۱/۴۹۳	آگاهی سیاسی
۰/۲۷۳	۰/۳۰۲	۰/۳۱۴	۰/۰۰۰	۴/۷۲۷	۰/۲۷۵	۰/۴۶۵	حضور در عرصه عمومی
۰/۲۰۰	۰/۲۲۶	۰/۲۶۲	۰/۰۰۱	۳/۴۵۲	۰/۲۰۵	۱/۷۹۳	رشته تحصیلی
۰/۱۴۳	۰/۱۶۳	۰/۲۰۵	۰/۰۱۴	۲/۴۶۷	۰/۱۴۵	۰/۵۲۵	محتوای استفاده از رسانه ها

در آزمونی که متغیرهای مستقل همچون: آگاهی سیاسی، میزان حضور در عرصه عمومی، رشته تحصیلی، میزان استفاده از رسانه ها، محتوای استفاده از رسانه ها، میزان درآمد، میزان تحصیلات، رشته تحصیلی، عنوان شغلی، وضعیت مسکن، داشتن یا نداشتن وسیله نقلیه، محل سکونت قبل از استخدام و سابقه کار به عنوان متغیرهای مستقل پیشنهادی مورد استفاده قرار گرفتند؛ متغیرهای آگاهی سیاسی، حضور در عرصه عمومی، رشته تحصیلی و محتوای استفاده از رسانه ها به عنوان عناصر معنادار مدل تبیین کننده آگاهی از حقوق شهروندی در نمونه تحقیق تعیین گردید.

داده های جدول فوق نشان می دهد که ضریب همبستگی چندگانه (R) معادل ۰/۵۰۸ محاسبه شده که بیانگر این مطلب است که این پنج متغیر به طور همزمان ۰/۵۰۸ با آگاهی از حقوق شهروندی ارتباط و همبستگی دارند. ضریب تعیین ( $R^2$ ) معادل ۰/۲۵۸ محاسبه شده است، یعنی حدود ۲۶ درصد از تغییرات آگاهی از حقوق شهروندان را می توان از طریق این متغیرها توضیح داد و حدود ۷۰ درصد باقیمانده تغییرات آن متعلق به عوامل دیگری است که خارج از این بررسی هستند. نسبت F مشاهده شده مبنی بر آزمون معنی داری ضریب تعیین ۱۹/۳۲۱ محاسبه شده است که در سطوح بسیار بالای آماری معنادار است ( $\text{sig}=۰/۰۰۰$ ). در ارزیابی سهم این چهار متغیر در تبیین و پیش بینی متغیر وابسته یا آگاهی از حقوق شهروندی معلمان نمونه، ضرایب رگرسیونی که در جدول

فوق آمده، نشانگر این است که متغیر آگاهی سیاسی با ضریب تاثیر رگرسیونی ( $Beta = 0/280$ )، قوی ترین پیش بینی کننده متغیر آگاهی از حقوق شهروندی در بین افراد نمونه می باشد. بعد از این متغیر، حضور در عرصه عمومی با ضریب استاندارد رگرسیونی ( $Beta = 0/275$ )، رشته تحصیلی با ضریب استاندارد رگرسیونی ( $Beta = 0/205$ ) و محتوای استفاده از رسانه ها با ضریب استاندارد رگرسیونی ( $Beta = 0/145$ ) قرار دارد که از بین متغیرهای وارد شده در مدل اولیه پیشنهادی دارای قدرت پیش بینی معناداری در پیش بینی آگاهی از حقوق شهروندی هستند. در ادامه این بحث برای بیان دقیق تر میزان تاثیر گذاری خالص این پنج متغیر موجود در مدل از نمودار پراکندگی مبتنی بر ضریب رگرسیونی تفکیکی استفاده می شود. ضریب همبستگی تفکیکی (partial) بیانگر این است که وقتی اثرات خطی دیگر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و همچنین متغیر مستقل مورد مطالعه حذف گردد، ضریب همبستگی بین متغیر وابسته و مستقل چقدر است. مجذور ضریب همبستگی تفکیکی که این نمودارها بر اساس آن است بیانگر این مطلب است که چه میزان از واریانس تبیین نشده متغیر وابسته به هنگام ورود این متغیر به مدل توضیح داده می شود. جداول فوق گویای ارتباط خالص متغیر وابسته و متغیرهای مستقل موجود در مدل است، این نمودارها بیانگر آن هستند که به هنگام ورود هر یک از این متغیرها به مدل چند درصد از واریانس توضیح داده نشده توسط سایر متغیرها با آن متغیر توضیح داده می شود.

### نتیجه گیری

در این نوشتار تلاش شد از رهگذر مطالعه با روش پیمایشی، میزان آگاهی معلمان به عنوان یکی از کنشگران مهم مدنی و کارگزاران فرهنگی نسبت به حقوق شهروندی خویش با استفاده از متغیرهای مهمی همچون میزان و نوع محتوای استفاده جامعه آماری در رسانه های جمعی، حضور و مشارکت در حوزه عمومی و نهادهای مدنی، آگاهی سیاسی قبلی و پایگاه اقتصادی و اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفت.

در فرضیه نخست بر اساس نظریه لیپیست بین آگاهی سیاسی و حقوق شهروندی رابطه معنادار دیده شد، در تایید رابطه آگاهی سیاسی و حقوق شهروندی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که شدت رابطه بین دو متغیر  $0/182$  و سطح معناداری آن کمتر از  $0/007$  بود لذا فرضیه صفر رد شد و فرضیه یک اثبات می شود لذا این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری است. بر اساس فرضیه دوم، بین میزان و محتوای استفاده از رسانه های ارتباط جمعی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط مستقیم دیده شد. این فرضیه با استفاده از آزمون ضریب همبستگی

پیرسون مورد تحلیل قرار گرفت که نشانگر وجود ارتباط مثبت و معنادار آماری بین این متغیر و ابعاد مدنی و سیاسی آن با متغیر میزان استفاده رسانه های جمعی بود، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق سیاسی بود که شدت معناداری آن  $0/231$  و سطح معناداری  $Sig=0$  بود. در فرضیه سوم با توجه به نظریه هابرماس، بین میزان حضور در عرصه عمومی و آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط معنادار دیده شد، بیشترین این همبستگی با بعد حقوق سیاسی بود و سطح معناداری آن و  $Sig = 0$  بود. بر طبق فرضیه چهارم، بین پایگاه اجتماعی- اقتصادی و میزان آگاهی معلمان به حقوق شهروندی ارتباط مستقیم و معناداری دیده نشد، با توجه به این که شدت رابطه  $0/046$  و سطح معناداری آن  $0/192$  بود، فرضیه صفر تایید و فرضیه ۱ رد شد.

از یافته های فوق می توان نتیجه گرفت که هر چقدر میزان آگاهی سیاسی و استفاده از رسانه های جمعی مانند رادیو، تلویزیون، مطبوعات و نشریات، اینترنت و ماهواره و حضور در عرصه های عمومی معلمان بیشتر باشد، میزان آگاهی آنان به حقوق شهروندی نیز افزوده می شود که در زمینه حضور در عرصه عمومی با یافته های پژوهش هزار جریبی و امانیان (۱۳۹۰) همسو می باشد و در زمینه آگاهی سیاسی با یافته های پژوهش اسکافی (۱۳۸۵) همسو می باشد. بنابراین می توان با برنامه ریزی های کلان فرهنگی و سیاسی و فراهم نمودن فضای باز سیاسی در کشور باعث افزایش آگاهی سیاسی به خصوص در میان قشر فرهنگی و معلمان کشور شد. همچنین با ایجاد انجمن ها و تشکیلات صنفی معلمان و برنامه های تشویقی، آنان را به مشارکت در عرصه های عمومی و اجتماعی سوق داد و با گسترش شبکه های اجتماعی از قبیل اینترنت و ماهواره و بالا بردن کیفیت رسانه های جمعی زمینه استفاده بهینه ی معلمان و سایر اقشار جامعه را از این رسانه ها فراهم نمود و میزان آگاهی از حقوق شهروندی آنان را افزایش داد.

## فهرست منابع

### الف) منابع فارسی

- ادیبی سده، مهدی و هارطونیان، هاکپ (۱۳۸۶)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت در اداره امور شهرها در شهر فرخ شهر استان چهارمحال و بختیاری»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- اسکافی، مریم (۱۳۸۶)، «بررسی میزان آگاهی جوانان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل مؤثر بر آن در شهر مشهد»، **مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد**.
- اسکندری، زهرا (۱۳۸۶)، بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با میزان آگاهی از حقوق شهروندی در میان دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد تبریز»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- انصاری، منصور (۱۳۸۴)، **دموکراسی گفتگویی، امکانات دموکراتیک در اندیشه های میخائیل باختین و یورگن هابرماس**، تهران، نشر مرکز
- ایزدی، صمد؛ دیگران (۱۳۸۷)، «جهانی شدن ضرورت برخورداری دانشجویان از دانش شهروندی و مسئولیت پذیری اجتماعی»، **مجموعه مقالات هشتمین همایش انجمن مطالعات درسی ایران: جهانی شدن و بومی ماندن برنامه های درسی: چالش ها و فرصت ها**، آبان.
- آقازاده، احمد (۱۳۸۵)، «اصول و قواعد حاکم بر فرآیند تربیت شهروندی و بررسی سیر تحولات و ویژگیهای این گونه آموزشها در کشور ژاپن»، **نوآوریهای آموزشی**، سال پنجم، شماره ۱۷.
- توسلی، غلام عباس، حسینی، سید محمود (۱۳۸۳)، «واقعیت اجتماعی شهروندی در ایران»، **جامعه شناسی ایران**، دوره پنجم، شماره ۲.
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۰)، **درآمدی بر جامعه شناسی سیاسی جدید**، تهران، انتشارات میزان.
- شهبازی، مظفرالدین، ابراهیمی، سیده مریم (۱۳۹۲)، «بررسی آگاهی زنان از حقوق و تکالیف شهروندی و عوامل اجتماعی مرتبط با آن»، **دانش انتظامی زنجان**، سال دوم، شماره ششم.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۲)، «فقر، محرومیت و شهروندی در ایران»، **رفاه اجتماعی**، سال پنجم شماره ۱۸.
- شیانی، ملیحه (۱۳۸۱)، «تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان»، **انجمن جامعه شناسی ایران**، شماره ۳.
- عیدی، ولی (۱۳۸۶)، «تبیین جامعه شناختی آگاهی از حقوق و تکالیف شهروندی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه اصفهان)»، **پایان نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه اصفهان.
- قائدی، یحیی (۱۳۸۵)، «تربیت شهروند آینده»، **نوآوریهای آموزشی**، سال پنجم، شماره ۱۷.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۶)، **جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

محمدی، جمال؛ تبریزی، نازنین (۱۳۹۰) «سنجش میزان آگاهی‌های عمومی به حقوق شهروندی و قوانین شهری» (مورد مطالعه: گروه سنی ۲۰ تا ۳۵ سال شهرهای ساری، بابل، آمل و قائمشهر)، **جامعه‌شناسی مطالعات جوانان**، سال اول، شماره اول.

نجاتی حسینی، سید محمود (۱۳۸۰)، **بررسی جایگاه مفهوم شهروندی در قانون شهرداری ایران**، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.

هابرماس، یورگن (۱۳۸۶)، **دگرگونی ساختاری حوزه عمومی**، چاپ دوم، ترجمه جمال محمدی، تهران، افکار.

#### ب) منابع انگلیسی

- Strijbs, S. (2001). "global Citizenship and the Real World of Technology", **International Journal Education Research**, Vol. 23, No. 4.
- Combs, Carolyn. (2001). **A Conceptual Framework toward a Democratic Citizenship Curriculum, and Its Implication for Education Drama**. Unpublished Master of Education Thesis, University of Monitoba.
- Diamond, Larry. (1997), "Rethinking Civil Society", **Journal of Democracy**, Vol. 5, No 03.
- Janoski, Thomas. (1998). **Citizenship and Civil Society: A Framework of Rights and Obligations in Liberal, Traditional, and Social Democratic Regimes**, New York: Mac Graw Hill.
- Parker, Gavin. (2000). **Citizenship, Contingency and Countryside Rights**, London and newyork: Routledge.
- Sardarabadi, Kh (et.al.) (2003) "The Impact of Mass media & ICTs on political Awareness of Students; Case study: undergraduate students of Tehran University", **The Journal of Humanities**, vol.10(3,4)
- Weiner, R. (1990). **Dictionary of Media & Communication**, USA, Prentice Hall.
- Whitehead, Laurence. (2004), "the Uncivil Interstices Between Civil and Political Society" in Peter Bunell & Peter Calvert (eds), **Civil Society in Democratization**, USA, Frankass Publication